

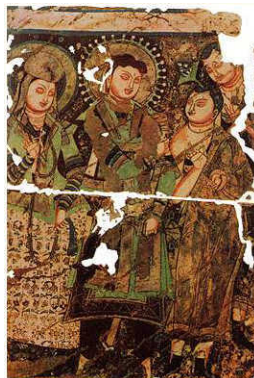


حکومت اشکانیان

آشنایی با مانی فرشته روشنی

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۱ | ۸ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

آشنایی با مانی-Mani امروز هم مطلبی بسیار گرانبها از دوست عزیزمان (آقای فره کیانی) آماده کرده ایم فره کیانی-نام مانی آرامی است. برای مانی نامهای زیادی شمرده اند، همانند فرشته روشنی، خداوند، بغ، کردگار، روشنگر، شاه و... در لاتین قوربیقوس و در یونانی کوپریکوس است. مانی در ۱۴ آوریل ۲۱۶ میلادی در دهکده مردینو در نزدیکی رود کوئی در خاور بابل که در آن زمان بخشی از استان آسورستان شاهنشاهی ایران بود، به جهان آمد. پدر مانی فَتِّق شاهزاده ای اشکانی، از مردمان همدان بود. مادر وی نیز بنام مریم یکی از خاندان



آشنایی با مانی-Mani

امروز هم مطلبی بسیار گرانبها از دوست عزیزمان (آقای فره کیانی) آماده کرده ایم

فره کیانی-نام مانی آرامی است. برای مانی نامهای زیادی شمرده اند، همانند فرشته روشنی، خداوند، بغ، کردگار، روشنگر، شاه و ... در لاتین قوربیکوس و در یونانی کوپریکوس است.

مانی در 14 آوریل 216 میلادی در دهکده مردینو در نزدیکی رود کوئی در خاور بابل که در آن زمان بخشی از استان آسورستان شاهنشاهی ایران بود، به جهان آمد. پدر مانی فقیق شاهزاده ای اشکانی، از مردمان همدان بود. مادر وی نیز بنام مریم یکی از خاندان اشمانیان بود.

...

پدر او بسوی مدائن رهسپار شد. روزی در بت خانه ای شنید: «گوشت و می مخور و از زنان بپرهیز». پس از آن مدائن را ترک کرد و در دشت میشان به گروه مغتسله پیوست. در دوازده یا سیزده سالگی به وی از روحی که خود را توم می نامید، وحی رسید. این رخداد در نخستین سالهای پادشاهی اردشیر شاهنشاه ساسانی، روی داده است.

پس از هنگامی که بیست و چهار ساله شد، توم دوباره به نزد وی آمد و به او گفت که زمان بیرون آمدن است و باید مردم را فراخواند.

«درود بر تو ای مانی از من و از پرودگاری که مرا به سوی تو فرستاد و تو را برای رسالتش برگزید و به دستور داد که {مردم} را به حق بخوانی و بشارت حق را مژده دهی از طرف او و در آن همه کوششت را بکار گیری»

مانی نخست پدر و بزرگان خاندان خود را به کیش فراخواند.

«... به وسیله نرجمیک (=توم) ... پیش خانواده خود ایستادم و پند ایزدان را گرفتم، و این چیزی را که نرجمیک به من اموخت، پس من شروع کردم به پدر و معتمدان گفتن و آموختن، آنانی که شنیدند، شگفت زده شدند ...»

مانی نخست از راه دریا به هندوستان، توران و مکران (بلوچستان و سند امروزی) رهسپار شد. وی در نخستین کار خود سربلند شد و توانست پادشاه توران که بودایی بود و برخی از مردم آن جا را به کیش خود بگرواند. در نوشتار زیر آمده است که وی مرد پرهیزکاری را با خود به هوا برده و با او سخن گفته است. گمان این کار سبب استوار شدن ایمان پادشاه توران شده است.

«فرشته (مانی) پرهیزکار را به هوا برد. گفت، چه بزرگ تر؟

پرهیزکار گفت: سپاه من.

فرشته گفت: سپس، از این چه بزرگ تر؟

گفت: که زمین که همه چیز را می برد.

پس گفت: از اینها چه بزرگتر؟

پرهیزکار گفت: که آسمان...

گفت: که از این چه بزرگتر؟

گفت: مه مهر و ماه.

پس چه روشن تر؟ گفت که ... زیرکی.

پس توران شاه گفت که از همه اینها تو بزرگتر و روشن تر هستی، چه به راستی تو خود بودا هستی..»

مانی پس از مرگ اردشیر و آگاهی از پادشاهی شاپور به تیسفون شتافت و به کمک پیروز (=فیروز) توانست در روز تاجگذاری در نهم آوریل (نخست نیشان بابلی) خود را به شاپور برساند و با دو تن از یاران خود به نام زکوا و شمعون و پدرش پتگ در آنجا پیامبری خود را آشکار نمود.

بنابر کفالایای مانی، مانی سالهای زیادی را در فرمانبرداری شاپور (خدمت ؟) بود و به آگهی دادن کیش خود در سرزمین های پارس، پارت و سرزمین های مرزی روم پرداخت. بنا به گفته الکساندر لوکوپولیسکی مانی به نماد هموندی (عضوی) از دربار شاپور، پادشاه را در یکی از نبردهایش بر پادشاه روم (242-244م) یا (256-260م) همراهی کرده است. گمان بر این داریم که مانی در این زمانها در کار پزشکی بوده و بیماران را درمان می کرده است.

شاپور شاه سه بار مانی را به دربار فراخواند و بار سوم وی را در آگهی دادن کیش خود در سرزمین های شاهنشاهی آزاد گذاشت. مانی توانست در سال 261 م، یکی دیگر از برادران شاپور بنام مهر شاه را به کیش خود در آورد.

«پس برادر شاپور شاهنشاه، خدای میشان بود. نام او مهر شاه بود و نسبت به فرشته(مانی) سخت دشمن بود. و بوستانی آراست. بسیار خوب و شگفت گشاد(جادار و بزرگ)، که کسی را همسان آن نیست. پس فرشته دانست که زمان رهایی نزدیک است. پس برخاست و نزد مهرشاه رفت. که در بوستان با شادی بزرگ(بسیار) به بزم بود.

پس به فرشته گفت که بهشت که تو نام می بری، چون این بوستان من هست؟ پس فرشته آن اندیشه ناباور را دریافت. پس با ورج(معجزه)، بهشت را روشن نمود با همه بغان و ایزدان و باد انوشه(هوای بی مرگ) زندگی و بوستانی از همه گونه، و دیگر دیدنی های خوشایند، آن جا. آن گاه بی هوش، سه زمان(سه ساعت) بر زمین افتاد. و آنچه دید، در دل به یادگار نگاه داشت. پس فرشته دست بر (سرش) نهاد. زمانی که برخاست، بر پای فرشته افتاد، دست راست او را گرفت، و فرشته گفت ...»

مانی میان سالهای 244 و 261 م زمانی که در وه اردشیر(بخشی از مدائن) بود، گروهی را به سرپرستی ادا و پتگ به مصر فرستاد. مانی گروه دیگری را از حلوان به سرپرستی آمو، همراه اردوان به ابرشهر(نیشابور کنونی) فرستاد. این گروه ها در کارهای خویش سربلند شدند، بگونه ای که ادا و پتگ تا اسکندریه و آمو در اپاخترخاور(شمال شرقی) شاهنشاهی تا پارت و مرو نفوذ کردند.

" به روم رفتند. اختلاف عقیده های بسیاری در دین ها دیدند. گزیدگان و نیوشایان بسیاری برگزیده شدند. پتینگ(پتگ) یک سال آنجا بود. پیش فرستاده(=مانی) باز آمد. پس خداوند(=مانی) سه دبیر، انجیل و دو کتاب دیگر نزد ادا فرستاد. فرمود که این جا میا، آنجا بمان، به نشان(=در هیئت) بازرگانی که گنج گرد می کند.

ادا در این سرزمین ها بسیار رنج دید. ... پذیره(به مقابله) گیش ها رفت. در همه چیز بر ایشان پیروز شد. کیش ها را شرمنده و محکوم کرد. تا به اسکندریه رسید. نفشا را به دین گزید. شگفتی ها در شهرها کرد. دین فرستاده(مانی) را در روم گسترش داد"

مانی گروه دیگری را به سرپرستی ادا و ابزخیا به کرخای دی بیت سلوگ در مشرق دجله فرستاد و عده ای از مسیحیان کرکوک را به دین مانی درآوردند.

با مرگ شاپور پسرش هرمزد نخست بجای پدر بر تخت شاهنشاهی می نشیند. هرمزد با مانی و پیروان او مخالفتی نداشت.

"در زبور مانوی گوید: شاپور تو را احترام کرد و هرمزد حقانیت تو را پذیرفت"

پس روی کار آمدن بهرام نخست برادر هرمزد، تحریک موبدان زرتشتی از سرگرفته شد و مانی که احساس خطر می کرد بابل را ترک کرد و از راه دجله به بازدید گروه های مانوی پرداخت و زمانی که به هرمزد اردشیر (اهواز کنونی) رسید، خواهان رهنوردی (مسافرت) به خاور (شرق) شاهنشاهی را کرد اما از این رهنوردی جلوگیری شد. به میشان بازگشت و سپس به تیغون رفت. واپسین رهنوردی مانی، پذیرش فراخوان بهرام نخست به دربار بود. مانی از تیغون به خوزستان رفت. در خولاسار یکی از بزرگان به نام بات به وی پیوست مانی واپسین دیدار خود را با گروه های مانوی در گئوخی، در کرانه بیت درایه انجام داد. از آنجا به بیت لاپات (جندی شاپور) فراخوانده شد. در اینجا مانی پس از دیداری ناخوشایند با بهرام، به زنجیر کشیده شد و زندانی گردید.

در این رخداد کوشتای دبیر و ابزخیای پارسی، دو تن از شاگردان مانی و نوهزادک مترجم (که تا واپسین دم با مانی بود و نگاه کننده ی مرگ وی بود)، مانی را همراهی می کردند.

نوهزادک در نوشتاری پارتی اینگونه می نویسد:

"مانی... آمد، زمانی که نوهزادک مترجم، کوشتای...، ابزخیای پارسی را دسته کرد. و شاه در برم، و هنوز نشسته بود. و همراهان درون شدند و گفتند مانی آمد و به در ایستاد. و شاه به خداوند (مانی) پیام فرستاد که یک زمان بپای، تا من خود نزد تو آیم. و خداوند (مانی) باز در سوی دیده بان نشست تا شاه دست شست چه خود نیز انگیزه نخجیر رفتن داشت.

از خوراک خوردن برخاست. و دستی به <شانه> ملکه شکاها افکند و <دستی> بر کرتیر پسر اردوان و به سوی خداوند فراز آمد. و در شرو سخن به خداوند چنین گفت که خوش نیامدی. و خداوند پاسخ گفت: که چه اشتباهی کردم؟ و شاه گفت که سوگند خوردم که نگذارم بر این زمین بررسی. و با خشم به خداوند چنین گفت: به چه کار بایسته هستید که نه به کارزار روید و نه نخجیر کنید؟ شاید این پزشکی و درمان بردن را بایسته آید و این را نیز نمی کنید.

پس خداوند چنین پاسخ داد: من نسبت به شما اشتباهی نکردم؛ چه همیشه نسبت به شما و خانواده تان نیکی کردم و بسیار فراوان بنده شما را، که دیو و دروگ را از آنها دور کردم، و بسیاری بودند که از بیماری برخیزاندم، و بسیاری بودند که تب و لرز چند ساله را از ایشان دور کردم. و بسیاری بودند که به کنون (حال) مرگ بودند و ..."

مانی بیست و شش روز زندانی بود و در دوشنبه در استان خوزستان و شهرستان بل آباد درگذشت. شیوه مرگ مانی بسیار دردناک است. او را زنده پوست کردند، گردن زدند و در کنونی (حالی) که تنش را از کاه انباشته بودند، برای عبرت دیگران بر دروازه جندی شاپور آویختند. همین دروازه در زمان اسلامی به دروازه مانی نامدار بود.

در زبور مانوی به مانی گوید:

«زرتشتیان تو را با آهن بار کردند و دست و پای تو را با آهن بستند و زنجیرها روی بدن تو گذاشتند و تو را در حبس

انداختند و 26 روز و شب در اهن ماندی و یاران تو پیش تو آمدند و همه را معانقه کردی»

سرچشمه ها: آثار الباقیه فرشته روشنی ایران و تمدن ایرانی

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «آشنایی با مانی فرشته روشنی»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1928/pdf/آشنایی-با-مانی-فرشته-روشنی.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۴ آبان ۱۳۹۹